

## ارزیابی سیستم حل اختلافات سازمان جهانی تجارت از منظر کشورهای در حال توسعه

هیبت الله نژدی منش<sup>۱</sup>، غلامرضا صفاری طاهری<sup>۲</sup>

### چکیده

در این مقاله ضمن بررسی این نظام در قالب گات و سازمان جهانی تجارت و تبیین نقش و تأثیر آن در تعامل سازمان با سایر رژیم‌های حقوق بین‌الملل، با لحاظ کردن عامل توسعه‌یافتگی کشورهای عضو، چالش‌های اساسی آن را شناسایی و جایگاه کشورهای در حال توسعه را در تحول و تکامل آن تحلیل نموده ایم. با روش اسنادی و پیمایشی با استفاده از اسناد حوزه تحقیق و آمار منتشرشده توسط سازمان جهانی تجارت به بررسی همبستگی میان وضعیت کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته پرداخته شده است. سیستم حل اختلاف، به‌عنوان ارزشمندترین دارای نظام نوین تجارت بین‌الملل، نقش مهمی در اعمال مقررات و ایفای تعهدات این سازمان بر عهده دارد. این نظام، با رویه‌های خودکار خود و توانایی تجویز اقدامات متقابل تجاری به‌عنوان مجازات، سازوکار منحصر به فردی ارائه نموده که بر اساس آن، کشورهای عضو می‌توانند اجرای کامل امتیازات تجاری مذاکره شده را مطالبه نمایند. علی‌رغم امتیازات درخور توجهی که برای «کشورهای در حال توسعه» در نظر گرفته شده است، بسیاری از این کشورها مشارکت و بهره‌مندی شایسته‌ای از آن نداشته‌اند. در سال‌های اخیر حضور کشورهای در حال توسعه در این نظام پررنگ‌تر شده است، اما همچنان کشورهای توسعه‌یافته به‌طور معناداری حضور و بهره‌مندی بیشتری از آن دارند. فقدان سیستم منسجم اقتصادی و هزینه‌بر بودن دعاوی، محدودیت ظرفیت حقوقی و کمبود منابع مالی، عدم اطلاعات و تجربه ناکافی کشورهای در حال توسعه؛ اقتصاد قوی و قدرت نفوذ کشورهای توسعه‌یافته از جمله دلایل این مسئله هستند.

**واژگان کلیدی:** کشورهای در حال توسعه، سازمان جهانی تجارت، سیستم حل اختلاف، توسعه پایدار، رفتار ویژه و متمایز.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۲۵

<sup>۱</sup> استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (Email: hnajandimanesh@gmail.com)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران، پردیس بین‌المللی کیش، ایران (نویسنده مسئول) (Email: saffari.gh@gmail.com)

## مقدمه

«سازمان جهانی تجارت»<sup>۱</sup>، از جمله مهم‌ترین سازمان‌های بین‌المللی است که از طریق تدوین رژیم‌ها و قواعد تجاری و پیش‌بینی تمهیدات لازم جهت اعمال آن‌ها، تجارت بین‌المللی را در سطح جهان مدیریت می‌کند. این سازمان، دستاورد بیش از پنج دهه تلاش کشورهای مختلف و پیش رو جهان برای تأسیس نهادی به منظور نظام دادن به تجارت جهانی است. اگرچه ایرادات و انتقادات وسیعی بر فلسفه وجودی و عملکرد نهادهای مالی و اقتصادی، از جمله سازمان جهانی تجارت و موافقت‌نامه‌های مربوط به آن از طرف گروه‌های مختلف حقوق بشری و «کشورهای در حال توسعه»<sup>۲</sup> مطرح شده است و بنا به تصور غالب، گفتمان حاکم بر این نظام منبعث از دیدگاه‌ها و منافع قدرت‌های اقتصادی است که بعد از جنگ جهانی دوم بر سیاست و اقتصاد جهانی سیطره پیدا کرده‌اند، لکن کشورهای در حال توسعه گریزی جز مشارکت در این نظام و تلاش در جهت عادلانه کردن آن ندارند. رویه‌ای که از سوی کشورهای پیش‌تاز و موفق نظیر برزیل، چین و هند در پیش گرفته شده است. نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت که از آن به «ارزشمندترین دارایی»<sup>۳</sup> این سازمان تعبیر شده است با رویه‌های خودکار خود و توانایی تجویز اقدامات متقابل تجاری به‌عنوان مجازات، این سازمان را به نهادی ویژه و کم‌نظیر تبدیل نموده است. این سازوکار بدیع، با ارائه مقررات و رویه‌های تعریف شده و الزام‌آور، اصلاحاتی بنیادین در سیستم قدیمی گات ایجاد نموده است به گونه‌ای که قواعد و مقررات آن در پاره‌ای از موارد، به محدوده قلمروهای مهمی از موضوع «توسعه پایدار»<sup>۴</sup> رسیده است؛ نظیر سوبسیدهای کشاورزی منحرف‌کننده تجارت، مدیریت منابع و حفاظت از سلامت و بهداشت عمومی (شافر و ملاندز اورتیز<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). فرآیند اعمال مقررات و حل و فصل مؤثر و اطمینان‌بخش اختلافات، نشان‌گر میزان پایداری به تعهدات و الزامات، جهت رفع منازعات و اصلاح کاستی‌های مهم موجود می‌باشد و به تبع آن، سیستم تجاری مبتنی بر مقررات، ثبات و قابلیت پیش‌بینی بیشتری را دارد. هر چند که چالش‌هایی همچنان باقی و درخور توجه هستند. طرح کلی «توافقنامه حل اختلاف»<sup>۶</sup> همانند سایر اسناد و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت، طی یک فرآیند سیاسی و ضمن بررسی و تبادل نظر، همراه با تسامح و تساهل شکل گرفته است. متن مذاکره شده توافقنامه همراه با اصلاحات و مطالب تکامل یافته بعدی آن، قدرتی نابرابر و نامتقارن را منعکس می‌کند که در قواعد و رویه‌هایی متجلی شده‌اند که بیشتر به نفع اقتصادهای قوی‌تر هستند. با توجه به این واقعیت، بازیگران ضعیف‌تر نظیر اکثر کشورهای در حال توسعه، اقتصادهای کوچک و ضعیف، که ظرفیت ساختاری محدودی دارند و در آن‌ها کسب و کارهای کوچک و متوسط به حاشیه رانده شده‌اند، می‌بایست در این عرصه جهت بهره‌گیری از فرصت‌ها حضور فعال و مؤثرتری داشته باشند تا بتوانند ضمن دفاع از حقوق خود، از سیستم چندجانبه تجاری موجود بهره لازم را ببرند. قواعد مربوط به میزان رعایت مقررات و عمل متقابل، این وضعیت را به نحو خوبی مشخص می‌نماید. تحقیق انجام شده توسط «مرکز بین‌المللی تجارت و توسعه پایدار»<sup>۷</sup> نشان می‌دهد که گزینه‌های موجود برای عمل متقابل بیشتر به سوی توازن مجدد سطح امتیازات میل دارد تا بیان‌کننده رعایت تعهدات اعضا باشد. بدیهی است هر چه اقتصاد کوچک‌تر باشد و پروفایل تجاری محدودتر باشد، فرصت‌ها جهت یافتن هدفی برای اقدام متقابل، بدون تأثیر سوء و مخرب در بازار داخلی، محدودتر خواهد بود. به تبع آن، از آنجاکه اقدام متقابل تنها شیوه جبران است و سیستم حل اختلاف، فرصت یا انگیزه و مشوق کافی برای طرف‌های اختلاف، جهت جبران معنادار فراهم نمی‌کند، صرفاً کشورهای دارای اقتصاد بزرگ دارای موقعیتی هستند که می‌توانند اقدام متقابل مؤثری را اعمال نمایند. (پلاسی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷)

1 - World Trade Organization (WTO)

2 - Developing Countries

3 - Crown Jewel

4 - Sustainable Development

5 - Shaffer & Mele'ndez-Ortiz

6 - Dispute Settlement Understanding (DSU)

7 - International center for Trade & sustainable Development (ICTSD)

8 - Plasai

با عنایت به اینکه از جمله مسائل مهم در تجارت «شفافیت و پیش‌بینی پذیری»<sup>۱</sup> بازارهاست، سازمان جهانی تجارت به‌عنوان یک مجمع مذاکره‌کننده، در عین حالی که می‌تواند فرصت‌هایی جهت دسترسی به بازارها فراهم سازد، می‌تواند به‌عنوان نهادی مبتنی بر یک معاهده قاعده‌محور، امنیت و پیش‌بینی لازم را نیز فراهم نماید. بدین ترتیب، تجار، تولیدکنندگان و به‌ویژه «فعالان اقتصادی مجاز»<sup>۲</sup> می‌توانند به قواعد الزام‌آوری تکیه کنند و چنانچه این قواعد نقض شوند، شاکیان می‌توانند از دولت خود بخواهند تا از طریق نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، تقاضای جبران بنمایند. هرچند امنیت و پیش‌بینی موردنیاز برای تجارت و سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها و شرکت‌ها، هرگز نمی‌تواند کامل و مطلق باشد، ولی هرچه بیشتر باشد، مخاطرات سرمایه‌گذاری و تجارت کاهش می‌یابد. بدین ترتیب مخاطرات، بیشتر و بهتر از میان می‌روند و فعالیت‌های اقتصادی جهانی به تولید و رفاه بیشتری می‌انجامد. موضوعی که از اهداف اصلی تشکیل سازمان جهانی تجارت و مورد خواست تمامی اعضای آن است. بررسی وضعیت نظام تجاری بین‌المللی در دهه‌های اخیر حاکی از آن است که «تجارت آزاد بین‌المللی»<sup>۳</sup> یکی از لوازم رشد و «توسعه پایدار» بوده است و در مقابل، محدودیت‌های تجاری و حمایت‌گرانه، صرفاً جلوی بهره‌برداری کشورها از فناوری‌های جدید و دستیابی به رشد اقتصادی را گرفته است. سازمان جهانی تجارت، عموماً به‌عنوان مرکزی جهت تنظیم روابط تجاری در سطح بین‌المللی شناخته می‌شود و کمتر به‌عنوان نهادی که در جهت تسهیل تجارت آزاد چندجانبه، نقشی عمومی و مساعد دارد، شناخته شده است. در حالی که به نظر می‌رسد این نقش سازمان جهانی تجارت، شایسته توجه و عنایت بیشتری است. (چاد<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹: ۲)

همچنین، از آنجاکه سازمان جهانی تجارت به‌منظور مشارکت در فرآیند نیل به توسعه پایدار و در صورت هدف‌گذاری، برای از بین بردن فقر - می‌بایست با تغییر پارادایم خود از «توسعه تجارت آزاد» به «توسعه تجارت منصفانه»، موازنه تجاری را به نفع کشورهای در حال توسعه تغییر دهد (گری<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). از جمله رویکردهای اصلی تحقیق حاضر؛ نگاهی توسعه‌محور و مبتنی بر نقش عمومی و تسهیل‌یافته این سازمان، در قالب یک مجمع مذاکره‌کننده چندجانبه، می‌باشد که در بطن مباحث تحلیلی آینده، به آن خواهیم پرداخت. با عنایت به نقش و جایگاه ویژه کشورهای در حال توسعه در سیستم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت و با لحاظ کردن مشارکت فعال و فزاینده این کشورها در سال‌های اخیر، پرسش اصلی تحقیق حاضر به‌عنوان یک تحقیق کاربردی راهبردی، به این موضوع می‌پردازد که «الزامات، راهکارها و امتیازات استفاده بهینه و حداکثری از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های این نظام چیست؟»

متعاقب آن در سؤالات فرعی تحقیق، به سایر جنبه‌های کلیدی و اساسی این موضوع می‌پردازیم، از جمله اینکه: با توجه به جایگاه و ترتیبات ویژه و متمایز در نظر گرفته‌شده برای کشورهای در حال توسعه، مزایای توسل به این نظام برای این گروه از کشورها چیست؟ نحوه تعامل و عملکرد کشورهای در حال توسعه در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت چگونه است؟ مهم‌ترین چالش‌ها و موانع اصلی مشارکت کشورهای در حال توسعه در نظام کنونی حل اختلاف سازمان جهانی تجارت چیست؟ و ...

### سیستم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت

سازمان جهانی تجارت که از ابتدای سال ۱۹۹۵ برای مدیریت مناسبات تجاری چندجانبه بین‌المللی جایگزین موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) گردید، اکنون به یک سازمان بزرگ جهانی تبدیل شده است. فراگیر بودن سازمان جهانی تجارت، چه از لحاظ تعداد اعضا، - با ۱۶۴ عضو اصلی، ۲۳ کشور و چندین سازمان بین‌الدولی ناظر و چه از حیث قلمرو موضوعی آن، که حجم وسیعی از قوانین و مقررات را در زمینه تجارت کالاها، خدمات و جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری دربر می‌گیرد، بر

1 - Transparency and Predictability

2 - Authorized Economic Operators

3 - Free International Trade

4 - Chad

5 - Gary

اهمیت این نهاد و سازوکار حل اختلاف تعبیه شده در آن، افزوده است. در اوج جنگ جهانی دوم و به ویژه در سال‌های بعد از آن تلاش‌های گسترده‌ای جهت نظم بخشیدن به مناسبات بین کشورها در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی صورت گرفت. در زمینه سیاسی، نتیجه این تلاش‌ها به تأسیس سازمان ملل متحد به عنوان سازمانی برای مدیریت مناسبات سیاسی بین‌المللی انجامید. ثمره این تلاش‌ها در عرصه تجارت و بازرگانی بین‌المللی در سال ۱۹۴۷، تدوین موافقتنامه گات بود. بسیاری از کشورها مسائل مربوط به تجارت چندجانبه خود را حدود نیم قرن در چارچوب گات پیگیری می‌کردند. با این وجود، از یک سو به دلیل فقدان یک مبنای حقوقی برای گات، در قالب یک سازمان بین‌المللی، و از سوی دیگر به دلیل گسترده و پیچیده تر شدن مسائل مربوط به تجارت جهانی، ضرورت تأسیس یک نهاد مسئول در این زمینه در دهه آخر قرن بیستم میلادی به خوبی احساس شد. بر همین اساس، اعضای گات در دور اروگوئه که آخرین دور از مذاکرات تجاری گات محسوب می‌شود، با تصویب موافقتنامه مراکش سنگ بنای نهاد جدیدی به نام سازمان جهانی تجارت را گذاشتند.

«گات» در واقع مجموعه‌ای از قواعد و مقرراتی بود که هرگز از یک مبنای حقوقی به عنوان یک نهاد بین‌المللی برخوردار نبود و به طور موقت شکل گرفته بود، در حالی که «سازمان جهانی تجارت» یک نهاد بین‌المللی با ساختار سازمانی دائمی است، مشتمل بر گات و چندین موافقت‌نامه بین‌المللی دیگر که بر حقوق و تعهدات اعضا نظارت می‌کند. تفاوت دیگر سازمان جهانی تجارت با گات در این است که مقررات گات تنها شامل تجارت کالاها بود در حالی که موافقت‌نامه سازمان جهانی تجارت علاوه بر تجارت کالا، تجارت خدمات و جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت معنوی را نیز در برمی‌گیرد. وجه تمایز دیگر سازمان جهانی تجارت از گات در «نظام حل و فصل اختلافات» آن است. در سازمان جهانی تجارت مقررات تفصیلی و عملی تری در زمینه بررسی و اجرای تصمیمات نظام حل اختلاف وجود دارد؛ نظام حل اختلاف این سازمان محدودیت زمانی جهت رسیدگی تعیین کرده و از این لحاظ از سرعت بیشتری نسبت به نظام حل اختلاف گات برخوردار است. در این نظام که جنبه خودکار دارد، احتمال کارشکنی و تأخیر کمتر است. همچنین نهادی جهت «استیناف»<sup>۱</sup> و بررسی نقطه نظرات هیئت حل اختلاف نیز پیش‌بینی شده است. نظام حل اختلاف به کلیه کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت این اطمینان را می‌دهد که موافقت‌نامه‌هایی که مذاکره و تأیید شده‌اند مورد احترام و حمایت خواهند بود. این سازوکار، هیچ قید و شرط و الزامات جدیدی را تحمیل نمی‌نماید، در عین حال، اطمینان از رعایت توافق‌نامه‌هایی که قبلاً تصویب شده‌اند را افزایش می‌دهد. فلسفه وجودی نظام حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت آماده کردن اعضا برای یک چارچوب شفاف قانونی، جهت حل منازعاتی است که ممکن است در طول اجرای تفاهم‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت حادث شوند. با این وجود، چنانچه این کار کفایت نکند، اعضا می‌توانند تشکیل هیئت منصفه و در صورت امکان، فرآیند استیناف را تقاضا کنند که در آن، سازمان جهانی تجارت از طریق تفسیر قوانین، منازعات را حل و فصل می‌نماید. اگر یک عضو از توصیه‌های سازمان جهانی تجارت برای اطاعت از قوانین سازمان سر باز زند، آن وقت تنبیه یا تحریم‌های تجاری به شکل افزایش وظایف یا تعلیق مذاکرات سازمان جهانی تجارت می‌تواند اعمال گردد. با این وصف، اعضای سازمان جهانی تجارت، به طور مستمر در حال استفاده از این مکانیسم می‌باشند.<sup>۲</sup>

تفاهم‌نامه حل اختلاف رسماً به عنوان مبنا و مرجع قوانین و فرآیندهایی شناخته می‌شود که تعاملات موجود و اختلافات حادث شده را مدیریت می‌کند و قوانین و قواعدی را ارائه می‌نماید که بر اختلافات گوناگون پیش آمده تحت موافقت‌نامه‌های قانونی وضع شده حاکم است. هدف این قوانین و مقررات شدید با محدودیت‌های فراوان سازمانی در فرآیند حل اختلاف، تأمین امنیت و افزایش قابلیت پیش‌بینی سیستم تجاری چندجانبه و رسیدن به راه‌حلی دوجانبه و قابل قبول برای طرف‌های دعوی، در چارچوب

<sup>۱</sup> - Appeal

<http://europa.eu.int/comm/trade/issues/respect>

<sup>۲</sup> میث «حل و فصل اختلافات: سنگ‌بنای سازمان تجارت جهانی» در سایت زیر:

[rules/dispute/index\\_en.html](http://europa.eu.int/comm/trade/issues/respect/rules/dispute/index_en.html)

موافقت‌نامه‌های موجود است. (رضائی، ۱۳۹۴ : ۲۰۰-۲۰۴) این نظام که با تکیه بر تجارب چند دهه اجرای موافقت‌نامه گات، و به منظور رفع مشکلات اساسی آن تدوین شده است، با موافقت‌نامه مزبور تفاوت‌های مهمی دارد. حجم وسیع تعهداتی که در طول مذاکرات تجاری ایجاد و به نتیجه می‌رسند می‌بایست الزام‌آور گردد و این در صورتی امکان‌پذیر است که از طریق یک نظام حل اختلاف مؤثر، مفاد قانونی لازم پیش‌بینی و لازم‌الاجرا گردد. این فرآیند در تفاهم‌نامه حل اختلاف تا حد زیادی محقق شده است. اما در نظام جدید حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، مقررات تفصیلی و عملی‌تری جهت رسیدگی و اعمال تصمیمات وجود دارد. این نظام محدودیت زمانی جهت رسیدگی تعیین کرده و از این لحاظ از سرعت بیشتری نسبت به نظام گات برخوردار است. در این نظام که جنبه خودکار دارد احتمال کارشکنی و تأخیر کمتر است. به بیان دیگر نظام قبلی گات تشکیلات ثابت، منسجم و منظمی را جهت رسیدگی به اختلافات در نظر نگرفته بود. بنابراین چارچوب، وسعت، الزام‌آور بودن، تفصیلی بودن و سرعت از ویژگی‌های برجسته تفاهم‌نامه حل اختلاف کنونی است.

### ویژگی‌ها و امتیازات سیستم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت

مبنی بودن بر قواعد و مقررات حقوقی: به معنای هنجارمند بودن و حقوق-محور بودن قواعد و مقررات حقوقی است. در نظام حل اختلاف، اعضا به صراحت تشویق شده‌اند که اختلافات خود را قبل از آنکه از طریق توسل به نهادهای حل اختلاف سازمان فیصله نمایند، با توسل به روش‌های مسالمت‌آمیز دوستانه حل و فصل نمایند. لکن، هرگونه راه‌حل دوستانه در این نظام می‌بایست منطبق بر قواعد و مقررات موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت باشد. این امر خود به خوبی نشانگر خصوصیت ذاتاً حقوقی نظام جدید می‌باشد. به بیان دیگر، طرف‌های اختلاف مجاز نیستند اختلافات خود را از هر روشی که ناقض موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت است، فیصله نمایند. (کانال فورگ، ۱۳۹۳ : ۲۶) بدیع بودن سازوکار نظام حل اختلاف: برخلاف نظام حل اختلاف گات، نظام جدید از نظر تشکیلات و نوع عملکرد همانند یک نهاد «شبه قضایی» عمل می‌کند. باین حال برخی نیز با استناد به ریشه‌های تاریخی، آن را شبیه مکانیسم سازش شبه قضایی توصیف می‌کنند. در خصوص نظام حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت با وجود اختلاف نظر در مورد نهاد قضایی یا شبه قضایی و سازشی می‌توان به راحتی اذعان داشت که نظام مذکور تلفیقی از دو نوع قواعد سازشی و قضایی می‌باشد. براین اساس می‌توان آن را نهادی دانست که در عمل قاعده‌مند، منظم و کاملاً بدیع است و تصمیمات آن برای طرفین الزام‌آور می‌باشد.

گرایش به سمت «قاعده‌مندی» و قضایی شدن: تفاهم‌نامه حل اختلاف همچنان روش‌های سیاسی و حقوقی حل اختلاف را در اختیار اعضای سازمان جهانی تجارت می‌گذارد. ولی «قضایی شدن» رسیدگی پانل‌ها و توسل احتمالی به دادگاه داخلی و رویه‌های داوری بین‌المللی نیز تقویت شده است. ماهیت اجباری رسیدگی هیئت‌های رسیدگی در سازمان جهانی تجارت و نداشتن حق اقدام متقابل یک‌جانبه، اجرای برخی از اصول حقوق بین‌الملل را در زمینه حل اختلاف محدود می‌سازد. از جمله این اصول می‌توان به «آزادی انتخاب شیوه حل اختلاف» (طبق بند ۱ ماده ۳۳ منشور ملل متحد) و حق توسل به اقدام متقابل در پاسخ به نقض مستمر تعهدات بین‌المللی اشاره کرد.<sup>۱</sup> تقویت نظام حل اختلاف: آنچه در این زمینه مدنظر است نوآوری‌های بعضاً بی‌سابقه‌ای است که به تقویت سیستم حل اختلاف منجر شده‌اند. از جمله رویه استیناف، نظارت بر اجرا و مرحله بررسی مجدد رویه «استیناف» به عنوان یک نوآوری کم‌سابقه می‌تواند به عنوان یکی از مزایا و عواملی که موجب تقویت اعتماد به نظام حل اختلاف می‌گردد، محسوب شود. استقلال، تخصص و عملکرد صرفاً حقوقی رکن استیناف به عنوان تضمینی در برابر یافته‌های حقوقی ناقص تلقی می‌شود. در نظر گرفتن این مفاد باعث می‌شود که طرف بازنده نتواند ادعا کند که رأی حل اختلاف غیرعادلانه، مضر یا ناقص بوده است و به برخی استدلال‌ها توجه نشده است و به این ترتیب زمینه کم‌توجهی و عدم رعایت رأی از بین می‌رود.

<sup>۱</sup> - ماده ۳۳- بند ۱: «طرفین هر اختلاف که ادامه آن متحمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجی‌گری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسائل مسالمت‌آمیز، بنابه انتخاب خود راه حل آن را جستجو نمایند.»

در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت به «اجرای آراء» توجه خاصی شده است و ماده ۲۱ تفاهم‌نامه حل اختلاف به این امر اختصاص یافته است. روشن است که کارایی هر نظام حل اختلاف به اجرای احکام آن بستگی دارد و در غیر این صورت آراء صادره از اعتباری برخوردار نخواهد بود و هدف اصلی نظام مزبور حاصل نمی‌شود. نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت در مرحله بعد از صدور حکم نیز مواعدی را جهت اجرا مقرر کرده است. به علاوه در بند ۸ ماده ۲۲ تفاهم‌نامه حل اختلاف تأکید شده است که رکن حل اختلاف در مواردی نیز که راه جبران پیش‌بینی شده است یا امتیازات به حال تعلیق درآمده است ولی توصیه‌های مربوطه اجرا نگردیده است، همچنان طبق بند ۶ ماده ۲۱ بر اجرای توصیه‌ها یا احکام نظارت خواهد کرد. نکته مثبت دیگر در این آئین رسیدگی، مرحله بررسی موقت است که طی آن به طرفین اجازه داده می‌شود تا درباره پیش‌نویس گزارش هیئت‌های رسیدگی اظهار نظر نمایند. این مرحله بازم تا حدی خصیصه سیاسی دارد و به دلیل فرصتی که به طرفین اختلاف می‌دهد موجب مقبولیت بیشتر حکم رکن حل اختلاف می‌گردد. محدودیت اقدام یک‌جانبه و متقابل: از جمله مهم‌ترین خصائص نظام حل اختلاف گات و سازمان جهانی تجارت محدودیت اقدام متقابل در چارچوب آن است. در سازمان جهانی تجارت تنها در صورتی این مجوز صادر نمی‌گردد که تمام اعضا بر عدم صدور مجوز توافق داشته باشند. به این ترتیب به نظر می‌رسد محدودیت اقدام متقابل نسبت به گات ۱۹۴۷ منطقی‌تر شده است زیرا با آنکه هنوز محدودیتی وجود دارد و آن طی مراحل حل اختلاف است، اصولاً هر گونه اقدام اعضا را منوط به طی مراحل حل اختلاف می‌کند و هر گونه اقدام خودسرانه یک عضو را رد می‌کند.

#### نقش و تأثیر سیستم حل اختلاف در تعامل سازمان با سایر رژیم‌های حقوق بین‌الملل

حقوق سازمان جهانی تجارت از سایر قواعد و اصول حقوق بین‌الملل عمومی جدا نیست و پیوندهای بسیاری با سایر قواعد حقوق عرفی و معاهدات بین‌المللی دارد. به طوری که در برخی موارد، موافقت‌نامه‌های سازمان صراحتاً به تعهدات یا استانداردهای تعیین شده در سایر رژیم‌ها اشاره می‌کنند. مانند استثنای امنیتی مندرج در بند (ج) ماده ۲۱ که با تعهدات مندرج در مواد ۲۵ و ۴۸ منشور ملل متحد مرتبط است. یا در رسیدگی به پرونده‌های اختلافی، مرجع حل اختلاف با استناد به قواعد تفسیری مندرج در مواد ۳۱ به بعد کنوانسیون حقوق معاهدات تأکید می‌کند که قواعد سازمان جهانی تجارت را نباید به صورت جدا و مستقل از حقوق بین‌الملل عمومی تعبیر و اعمال نمود. (هردگن، ۱۳۹۷: ۴۸۷-۴۸۸)

به منظور اجتناب از چند پارگی نظام حل اختلاف، توافق‌نامه مراکش «رکن حل اختلاف»<sup>۱</sup> را به عنوان واحدی که تحت حکومت یک مجموعه واحد قواعد رسیدگی فعالیت می‌نماید ایجاد نمود. در واقع می‌توان گفت سازمان جهانی تجارت در پی ایجاد یک «جامعه یکپارچه» است، یکی از نمودهای چنین هدفی را می‌توان در «سیستم حل اختلاف» مشاهده کرد و آن اینکه هر یک از اعضا قطع نظر از اینکه ذینفع باشد می‌تواند دعوی را به رکن حل اختلاف ارجاع دهد، یعنی هر دولت عضوی می‌تواند دعوی را مبنی بر عدم رعایت قوانین سازمان توسط دولتی دیگر به این رکن ارجاع دهد. در حقیقت این مکانیزم حرکتی است که در سازمان جهانی تجارت از «جامعه قراردادی» به سوی «یک جامعه متشکل از ارزش‌ها» صورت می‌گیرد به طوری که دیگر این صرفاً منافع دولت مستقیم زیان دیده نیست که مطرح است بلکه منافع جامعه مدنظر است و این منفعت حتی از اهمیت بیشتری برخوردار است. با این توصیف، سیستم حقوقی و یکپارچه سازمان جهانی تجارت، به صورت جدا و به دور از نظم حقوقی بین‌المللی نیست، بلکه از اعتبار حقوقی بین‌المللی برخوردار است و قواعد و مقرراتش را باید همسو و در همراهی با سایر مقرره‌های حقوق بین‌الملل در نظر گرفت.

سازمان جهانی تجارت در نظم حقوقی خود اصول حقوق بین‌الملل از جمله برابری دولت‌ها، اصل حسن نیت، همکاری بین‌المللی و «حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات» را مورد احترام قرار می‌دهد. حقوق بین‌الملل عمومی را رعایت می‌کند و در عین حال خود را با واقعیت‌های تجارت بین‌الملل منطبق می‌سازد. در حقیقت می‌توان گفت که مجموعه قواعد این سازمان؛ یعنی حقوق سازمان

<sup>۱</sup> - Dispute Settlement Body

جهانی تجارت با مجموعه‌ی قواعد حقوق بین‌الملل عمومی، با یکدیگر «برهم کنش متقابل» دارند. (شمسایی، ۱۳۹۱: ۵۶) اینکه صلاحیت ماهوی هیئت‌های حل اختلاف تنها محدود به اختلافات ناشی از موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان است بدین معنا نیست که قانون حاکم بر حل اختلافات نیز صرفاً محدود به همین توافق‌نامه‌ها می‌باشد. همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد نظام سازمان جهانی تجارت و سند مؤسس آن در مجموعه گسترده‌تر حقوق بین‌الملل و در کنار دیگر معاهدات و نهادهای موجود ایجاد شده و فعالیت می‌کند، و همین وضعیت به هنگام طرح یک اختلاف و رسیدگی به آن نیز وجود دارد. رکن حل اختلاف سازمان در رویه خود نشان می‌دهد که قواعد سازمان را نباید به گونه‌ای تفسیر کرد که قانون حاکم را صرفاً محدود به مقررات موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان بنماید. در عمل هیئت‌های حل اختلاف و همچنین رکن استیناف سازمان، اغلب به دیگر قواعد حقوق بین‌الملل رجوع کرده و آن‌ها را اعمال نموده‌اند. این ارکان نه تنها در تفسیر موافقت‌نامه‌های تحت پوشش سازمان بلکه در موضوعات دیگر نیز به قواعد حقوق بین‌الملل عمومی رجوع نموده‌اند. (پالوین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷: ۵۶۳)

از جمله مهم‌ترین موضوعات پیش‌روی رکن حل اختلاف، بحث «تفسیر موافقت‌نامه‌ها» است. هیئت‌های حل اختلاف این موافقت‌نامه‌ها را معاهداتی بین‌المللی تلقی نموده و مقرره‌های کنوانسیون وین ۱۹۶۹ را جهت تفسیر آن‌ها اعمال می‌نمایند. در واقع، طبق ماده ۳ تفاهم‌نامه، هیئت‌های حل اختلاف باید این موافقت‌نامه‌ها را مطابق با قواعد عرفی تفسیر در حقوق بین‌الملل مورد تفسیر قرار دهند. رکن استیناف نیز بیان می‌دارد که شفاف ساختن این موافقت‌نامه‌ها باید با رجوع به قواعد بنیادین تفسیر به شرح کنوانسیون وین صورت پذیرد. این رکن همچنین بیان می‌دارد که قواعد این کنوانسیون در این زمینه به قواعد عرفی تبدیل شده‌اند و بر تمامی اعضا، حتی آن‌ها که عضو کنوانسیون نیستند نیز لازم‌الاجرا هستند. (کمر و گری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۲۵۴) به بیان دبیر کل سازمان، تأکید بر رجوع به کنوانسیون وین و قواعد عرفی مربوط به تفسیر، به‌خوبی نشان‌دهنده تمایل سازمان به تلقی شدن موازین سازمان به‌عنوان جزئی از حقوق بین‌الملل است. (لامی<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷: ۹۷۹)

با این توصیف، علی‌رغم وسعت و گستردگی مقررات جدید سیستم حل اختلاف، مقررات و قواعد عرفی حقوق بین‌الملل نیز باید به هنگام حل اختلاف و جستجوی طریقه رفع آن‌ها مدنظر قرار گرفته و نباید برخلاف موازین و اصول حقوق بین‌الملل عرفی باشد. لذا یکی از وظایف مرجع حل اختلاف تعیین مرز بین مقررات سازمان جهانی تجارت از یک‌سو و قواعد و اصول حقوق بین‌الملل عرفی از سوی دیگر می‌باشد. در این زمینه برخی نظر داده‌اند که نظام جدید حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت حرکت تند و سریعی به سوی قبول نظرات اجباری و الزام‌آور مرجع حل اختلاف بوده و از مکانیزم مشورت و تبادل نظر برای حل اختلاف؛ آن‌چنان که در مقررات سنتی و قدیمی گات مطرح بود فاصله گرفته است، چراکه طبق مقررات قبلی گات، نظرات طرف‌های درگیر باید شنیده می‌شد و نهایتاً تلاش می‌کردند تا از طریق سازش نسبت به حل اختلاف اقدام شود. حاصل کلام آنکه سازمان جهانی تجارت نه یک جزیره‌ی دورافتاده بلکه بخشی مهم از محدوده سرزمینی نظم حقوقی بین‌المللی است. آن‌هم بخشی که در تعامل کامل با سایر قسمت‌های این سرزمین عمل می‌کند و «سیستم حل اختلاف» آن، این نهاد را نه تنها با حقوق بین‌الملل عمومی مرتبط می‌سازد بلکه در فعالیت‌های خود، از جمله در تفسیر موافقت‌نامه‌ها و رجوع به برخی از اصول کلی حقوق، همچون اصل حسن نیت، مرتباً به حقوق بین‌الملل تمسک می‌جوید. (قریشی، ۱۹۹۹: ۲۹۳) این سازمان مانند هر سازمان بین‌المللی دیگر اصول مسلّم حقوق بین‌الملل را رعایت می‌کند. اصولی همچون حسن نیت، برابری دولت‌ها و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات به‌خوبی در این نهاد مورد رعایت قرار می‌گیرند. البته با توجه به وضعیت این نهاد و با توجه به اینکه یکی از اهداف ایجاد آن کمک به توسعه کشورهای در حال توسعه بوده است، طبیعی است که در برخی رفتارها با کشورهای در حال توسعه نوعی انعطاف‌پذیری

<sup>1</sup> - Pauwelyn.

<sup>2</sup> - Cameron & Gray

<sup>3</sup> - Lamy,

بیشتری مشاهده می‌شود، موضوعی که از آن به «رفتار ویژه و متمایز»<sup>۱</sup> تعبیر می‌شود، اما این امر را نمی‌توان برخلاف اصل برابری دولت‌ها در این نهاد تلقی نمود. (شمسایی، ۱۳۹۱: ۶۶)

گرچه صلاحیت ماهوی رکن حل اختلافات این سازمان تنها محدود به دعاوی ناشی از موافقت‌نامه‌های تحت پوشش آن است، اما این رکن در اعمال قانون حاکم، خود را تنها محدود به همین موافقت‌نامه‌ها نمی‌داند و قواعد حقوق بین‌الملل را نیز به نحو مقتضی اعمال می‌نماید. این رکن بارها در رویه خود در خصوص موضوعات مختلف، به قواعد حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهداتی رجوع کرده است، از جمله در تفسیر موافقت‌نامه‌های مختلف سازمان که همواره تأکید داشته که باید بر اساس قواعد تفسیر در حقوق بین‌الملل صورت گیرد. به گفته «پروفسور ابی صعب» همین تأکید بسیار زیاد رکن حل اختلاف بر رجوع به قواعد بین‌المللی نشان‌دهنده این است که این سازمان در مجموعه حقوق بین‌الملل عمل می‌کند و بخشی از آن است. (لامی، ۲۰۰۷: ۹۸)

### چالش‌های اساسی سیستم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت

با وجود اینکه شمار زیادی از قواعد و مقررات مندرج در موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت مبهم، چندمعنا و یا متناقض هستند، لکن مرجع استیناف توانسته در رسیدگی به چنین قضایی با در نظر گرفتن احتیاط و تدبیر، خردمندی و هوشمندی خود را نشان دهد. لکن، برخی از آراء صادره از آن نیز موجب نارضایتی و اعتراض بعضی از اعضا گردیده است. لذا، نمی‌توان گفت که مکانیزم حل اختلاف بدون عیب و نقص می‌باشد. در خصوص مشکلات و کاستی‌های پیش روی مکانیزم، برخی مشکلات ناشی از قواعد و تشریفات دادرسی و در برخی مواقع قانون قابل اعمال را مورد انتقاد قرار می‌دهند و عده‌ای دیگر مشکل پیش روی مکانیزم را تفسیر قواعد و مقررات ماهوی می‌دانند که نهادهای سیاسی سازمان به دلیل ضعف ذاتی‌شان یا برخی محدودیت‌هایی که مربوط به تشریفات اصلاح و تجدیدنظر موافقت‌نامه‌های سازمان می‌باشد، نمی‌توانند مورد تفسیر قرار دهند.

از سال ۱۹۹۷ به بعد، اعضای سازمان تلاش‌های زیادی را در راستای اصلاح برخی از این ضعف‌ها و کاستی‌ها به عمل آورده‌اند. در این خصوص، علاوه بر برخی مباحثات و مذاکرات به عمل آمده بین اعضا به‌طور غیررسمی و نیز شکست کنفرانس وزیران ۱۹۹۹ سیاتل، مسئله بهبود و اصلاح برخی از قواعد و مقررات تفاهم‌نامه به‌صراحت و به‌طور رسمی در کنفرانس وزیران ۲۰۰۱ دوحه مطرح گردید. لکن، دوباره کنفرانس وزیران ۲۰۰۳ کانکون مکزیک امکان پیگیری پاراگراف ۵۰ اعلامیه دوحه را غیرممکن ساخت. با وجود اینکه مهلت‌های متعددی جهت انجام این اصلاحات بین اعضا به تصویب رسیده است، لکن نتیجه درخور توجهی از این تلاش‌ها به دست نیامده است. در حقیقت، تجارب به‌دست آمده از مذاکرات و مباحثات به‌عمل آمده در چارچوب گروه مذاکرات جهت اصلاح تفاهم‌نامه نشان می‌دهد که نقایص و کاستی‌های مهمی در خصوص قواعد و تشریفات حاکم بر حل اختلاف وجود دارد، از جمله:

قبل از هر چیز باید اذعان داشت که عدم شفافیت در قواعد و تشریفات دادرسی که خود ناشی از محرمانه تلقی کردن جریان دادرسی می‌باشد یکی از مهم‌ترین عوامل بحران مشروعیت حاکم بر این سازوکار است. علاوه بر این، موارد دیگر نظیر، روند رو به رشد مراجعات و مداخلات سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جریان دادرسی از طریق ارسال لوایح موسوم به «همیاران دادگاه»<sup>۲</sup>، نبود دموکراسی در دادرسی، وجود مهلت‌های کوتاه در رسیدگی استیناف، عدم امکان ارجاع مجدد اختلاف از مرحله استیناف به پانل، ضعف در سازمان‌دهی مرحله اجرای احکام و توصیه‌های صادره و درنهایت مشکلات ناشی از تشکیل احتمالی نهاد دائمی «پانلیست‌ها» از چالش‌های اصلی پیش روی مکانیزم حل اختلاف است. (کاتال فورگ، ۱۳۹۳: ۱۳۵) همچنین، ایستائی و عدم استمرار فرآیند اصلاح و ارتقاء نظام کنونی حل اختلاف و عدم بر خورداری از حمایت و مشارکت فعال بسیاری از اعضا کمتر توسعه یافته، از جمله

1 - Special and Differential Treatment (SDT)

2 - Amicus Curiae



دیگر چالش‌های مهم و اساسی نظام موصوف است که بی‌توجهی به آن می‌تواند موجب کاهش کارایی و اثربخشی آن و ناتوانی در انجام مأموریت اصلی خود در حل و فصل اختلافات فی‌مابین اعضا گردد.

### کشورهای در حال توسعه در سیستم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت وضعیت کشورهای در حال توسعه

در زمان تأسیس گات و همچنین ادوار مختلف مذاکرات تأسیس سازمان جهانی تجارت، کشورهای در حال توسعه اکثر تازه به استقلال سیاسی رسیده و با مشکلات عدیده‌ای مواجه بودند. هیچ‌کدام از این کشورها در آن زمان به سطحی از توسعه صنعتی و اقتصادی نرسیده بودند که بتوانند محصولات صنعتی و نیمه‌صنعتی صادر کنند لذا حضور در گات که مذاکرات آن صرفاً به کاهش تعرفه محصولات صنعتی محدود می‌شد، برای توسعه صادرات آن‌ها که تک‌محصولی و یا عمدتاً شامل مواد اولیه و محصولات صنعتی کشاورزی بودند نفع چندانی در پی نداشت. از این‌رو این کشورها تمایل چندانی به الحاق به این سازمان از خود نشان نمی‌دادند. به طوری که طی ده سال پس از تأسیس گات تنها سه کشور در حال توسعه به عضویت آن درآمدند. اتفاقاً همین بی‌توجهی به تمایلات و نیازهای این کشورها سبب شد که موجی از انتقادات از سوی این کشورها به گات صورت گرفته و به تبع آن، تغییر دیدگاه‌های گات به نفع کشورهای کمتر توسعه‌یافته اتفاق بیفتد.

افزوده شدن فصل چهارم به موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (زیر عنوان فصل تجارت و توسعه)، سرآغاز برخورداری شدن کشورهای در حال توسعه از حقوق و تعهداتی متفاوت با کشورهای توسعه‌یافته در گات بود. علاوه بر این، در پایان مذاکرات دور توکیو در سال ۱۹۷۹ نیز شرط دیگری به نام شرط توانمندسازی کشورهای در حال توسعه برای افزایش مشارکت این کشورها در نظام تجاری چندجانبه در نظر گرفته شد. نهایتاً در اعلامیه «پانتادل ایسته»<sup>۱</sup> که بر اساس آن مذاکرات دور اروگوئه آغاز گردید، رفتار ویژه و متمایز با کشورهای در حال توسعه مورد تأکید قرار گرفت. با این توصیف، کشورهای در حال توسعه در سال‌های اولیه راه‌اندازی نظام کنونی حل اختلاف، بهره‌برداری محدودی از این سیستم داشته و به تعبیری استفاده از آن را به تأخیر انداخته بودند. اما در طول سال‌های اخیر، تعدادی از این کشورها در استفاده از این سیستم، بسیار فعال گردیده و موفقیت‌های زیادی کسب کرده‌اند. تعداد قابل توجهی نیز، رویکردی معتدل نسبت به آن داشته، اما اکثریت اعضای ضعیف سازمان جهانی تجارت، همچنان استفاده چندانی از آن نداشته‌اند.

امروزه نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، علاوه بر برخورداری از قواعد و رویه‌هایی که به‌عنوان پایه و اساس آن، تحت موافقت‌نامه گات ایجاد و در طول چند دهه متوالی متکامل شده‌اند، در قالب جدید خود به انحاء مختلفی توسعه و گسترش یافته است و به نحو مؤثر و کارآمدی در اختیار کلیه اعضای سازمان، اعم از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه قرار دارد. رشد فزاینده میزان مشارکت و بهره‌گیری کشورهای در حال توسعه از این سیستم، دلیل خوبی بر این مدعاست. (سازمان جهانی تجارت، ۲۰۱۸)<sup>۲</sup>

### موانع مشارکت کشورهای در حال توسعه

از جمله موانع اصلی مشارکت فعال کشورهای در حال توسعه در سیستم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت می‌توان به مشکل اراده سیاسی و ساختار حکومتی این کشورها، فقدان سیستم منسجم اقتصادی و هزینه‌بر بودن دعاوی، محدودیت ظرفیت حقوقی و فقدان اطلاعات کافی، کمبود منابع مالی و نهایتاً فقدان انگیزه کافی این کشورها اشاره کرد. بر این اساس، عدم تمایل به طرح شکایت و مشارکت مؤثر در این سیستم توسط کشورهای موصوف از عوامل چندگانه فوق سرچشمه می‌گیرد و باعث می‌شود که در قلمرو تجارت بین‌الملل به دلیل ترس از تلافی سیاسی و تجاری بسیار محافظه‌کارانه عمل کنند. ملاحظاتی سیاسی، به‌عنوان مهم‌ترین مانع

<sup>۱</sup>- Punta Del Este Declaration

<sup>۲</sup> "Understanding the WTO: Settling Disputes, A Unique Contribution"  
[https://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/tif\\_e/displ\\_e.htm](https://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/displ_e.htm)

در مشارکت کشورهای در حال توسعه، نگرش این کشورها را نسبت به دادخواهی در سازمان جهانی تجارت شکل می‌دهد. از آنجایی که سازوکار سیستم حل اختلاف، مربوط به شکایت دولت علیه دولت است، نمی‌تواند از ملاحظات سیاسی جدا باشد. بخش بزرگی از واردات کشورهای در حال توسعه تحت تأثیر سیستم ترجیحی سازمان جهانی تجارت است و بیم آنکه کشورهای توسعه یافته از صادرات خود به این کشورها جلوگیری نمایند یک عامل بازدارنده در طرح شکایت آن‌ها می‌باشد. همچنین، چنانچه این کشورها متوسل به اقدام متقابل گردند، بیم آن می‌رود که کشورهای توسعه یافته مبادرت به افزایش تعرفه‌ها نموده و منجر به کاهش صادرات کشورهای در حال توسعه گردند. (بی سان و ری سم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴: ۷)

بر این اساس، کشورهای ضعیف از بیم آنکه چنانچه وارد جنگ تجاری یا اقتصادی شوند، حتماً بازنده خواهند بود، نوعاً از اقدام متقابل تجاری چشم‌پوشی می‌کنند. از سوی دیگر اقدام متقابل تجاری، نوعی اقدام تلافی جویانه است و در سیستم حل اختلاف وقتی موضوعیت پیدا می‌کند که طرف محکوم در یک پروسه زمانی مشخص نتواند حکم دادگاه را اجرا نماید. بنابراین دولت شاکمی می‌تواند تقاضای اقدام متقابل را نموده و قراردادها و امتیازات تجاری خود را نسبت به طرف محکوم لغو نماید. اما کشورهای در حال توسعه از نظر اجرای اقدام متقابل در موضع ضعف هستند زیرا اقدامات تلافی جویانه این کشورها با توجه به حجم تجارت اندک آن‌ها عملاً تأثیر چندانی بر کشورهای توسعه یافته ندارد. (بوهانز و گارزا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲: ۹۵) هزینه سنگین دعاوی و فقدان اطلاعات کافی ناشی از کمبود دانش و تجربه، و همچنین ظرفیت محدود حقوقی، منجر به فقدان انگیزه و اقدام مؤثر این کشورها می‌گردد و بهره‌مندی این کشورها را از این سازوکار بدیع حقوقی-سیاسی به شدت کاهش داده، توازن را به نفع کشورهای قدرتمند برهم می‌زند. با این توصیف، انعطاف سیستم مزبور و پیش‌بینی شرایطی متفاوت و متناسب برای کشورهای در حال توسعه در قالب رفتار ویژه و متمایز را می‌توان در جهت ایجاد و حفظ این توازن و تعادل ارزیابی نمود.

#### مشکل ادغام کشورهای با سطح توسعه متفاوت در سازمان جهانی تجارت

باملاحظه تفاوت‌های بسیار مهم و ماهوی اقتصادی میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه ادغام آن‌ها در سایه اصل عدم تبعیض که شامل اصول ملت‌های کامله‌الوداد و رفتار ملی و در راستای اهداف اساسی سازمان جهانی تجارت است، امری پیچیده و دشوار است. لذا یکی از دغدغه‌های مهم کشورهای در حال توسعه برقراری ارتباط مثبت و سازنده بین قواعد سازمان جهانی تجارت و اهداف توسعه‌ای بوده است. (طارم سری و صادقی یارندی، ۱۳۸۶) سؤالی که در این مجال مطرح می‌شود این است که شکاف توسعه کشورهای صنعتی و در حال توسعه از نظر زمانی چند سال است. برای برخی از کشورهای در حال توسعه این شکاف کوتاه و برای برخی دیگر از یک قرن هم تجاوز می‌کند. از سوی دیگر باید اذعان داشت که امروزه نفوذ بین‌المللی کشورهای در حال توسعه در سازمان‌های بین‌المللی قابل مقایسه با نیم اول قرن بیستم نیست، کشورهای در حال توسعه با توجه به اکثریتی که در سازمان جهانی تجارت دارند، با هماهنگی و همکاری و افزایش توان علمی \_ فنی و اطلاعاتی خود می‌توانند امتیازات قابل توجهی در صحنه تجارت جهانی کسب کنند.

به نظر می‌رسد تأکید غالب کشورهای در حال توسعه بر سیاست‌های حمایتی معلول فرصت‌های ازدست‌رفته آن‌ها در روند پیشرفت و توسعه اقتصادی جهان در طول قرن بیستم است. فرصتی که کشورهای توسعه یافته با تکیه بر داشته‌های پیشین خود و اتخاذ سیاست‌های کارآمد اقتصادی در سایه ثبات سیاسی بازیافته بعد از جنگ جهانی دوم به‌خوبی از آن بهره گرفتند و تعادل اقتصادی بین کشورهای شمال و جنوب را به نفع خود به شکل برگشت‌ناپذیری برهم زدند. برنارد هوکمن یکی از صاحب‌نظران اقتصاد جهانی و سازمان جهانی تجارت مقاله‌ای در نقد گزارش ساترلند و همکاران ایشان که در سال ۲۰۰۶ تحت عنوان آینده سازمان جهانی تجارت به درخواست مدیرکل وقت سازمان تهیه گردید، ارائه نموده و عنوان آن را «گسترش عضویت سازمان جهانی

<sup>1</sup> - Besson & Racem

<sup>2</sup> - Bohanes & Garza,

تجارت و علایق نامتجانس» انتخاب نموده است که به خوبی عدم تجانس اعضای آن را از جنبه توسعه‌ای نشان می‌دهد. ایشان با دیدی واقع‌گرایانه به نکات جالبی در این رابطه اشاره دارد، از جمله اینکه:

اولاً) سازمان جهانی تجارت نهادی برخاسته از مکتب سوداگری است و به وسیله این مکتب هدایت می‌شود. لذا همه اعضای آن به دنبال آن هستند که شرایط مبادلات خود را از طریق دسترسی بهتر به بازارهای سایر کشورهای عضو بهبود بخشند و به همین دلیل توجه اصلی به هیچ وجه بر موضوعاتی مانند رفاه یا چشم‌انداز رشد اقتصادی اعضا و یا حتی تعیین مشخصه‌های یک سیاست تجاری خوب متمرکز نبوده است.

ثانیاً) با افزایش روزافزون گستره فعالیت سازمان جهانی تجارت، حوزه مداخلات این سازمان فراتر از سیاست تجاری رفته است. در حالی که برای همه می‌توان یک نسخه پیچید. به همین دلیل انطباق کامل و موبه‌موی قوانین و مقررات و سیاست‌های اساسی و هماهنگ شده موجود در سازمان جهانی تجارت ممکن است برای این کشورها نامناسب و غیر لازم باشد. حتی اگر اقتضا هم داشته باشد، الزام‌آور ساختن این رویه‌ها ممکن است هزینه‌های پیاده‌سازی و اجرای آن‌ها را به شکل احساسی بالا ببرد که متأسفانه بار اصلی آن بر دوش کشورهای فقیر قرار خواهد گرفت. (هوکن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۴۰۲-۴۰۳)

#### مزایا و امتیازات سیستم حل اختلاف برای کشورهای در حال توسعه

امروزه در میان کارشناسان روابط بین‌الملل این اتفاق نظر وجود دارد که کشورهای ضعیف‌تر به دنبال یک رژیم بین‌المللی قانون‌مدار هستند. زیرا چنین رژیمی قطعیت بیشتری به روابط بین‌المللی می‌دهد و کشورهای ضعیف را در مقابل کشورهای قوی‌تر یاری می‌رساند. این قطعیت به کشورهای در حال توسعه که منابع محدودی در اختیار دارند کمک شایانی می‌کند. چنانچه قواعد بازی تعیین شود آن‌ها می‌توانند از منابع خود استفاده بهتری داشته باشند. همچنین تنظیم تجارت بین‌المللی از طریق یک سازمان تجاری چندجانبه به کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند تا در مقابل زورگویی‌های دولت‌های قدرتمند چاره‌ای داشته باشند. برخلاف روابط دوجانبه، دولت‌های توسعه‌یافته نمی‌توانند در یک‌نهاد چندجانبه به تعهدات خود عمل نکنند زیرا باید با ضمانت‌اجراهای نقض مقررات بین‌المللی مواجه شوند و نهایتاً آنکه کشورهای در حال توسعه می‌توانند ضمن ایجاد ائتلاف میان خود در یک سازمان تجاری چندجانبه، قدرت چانه‌زنی خود را افزایش دهند. در نتیجه کشورهای در حال توسعه خواهان قواعدی دقیق‌تر و نهادی با توان اجرایی بالا جهت اعمال این مقررات هستند و یک سازمان تجاری چندجانبه می‌تواند به بهترین نحو این مقررات را تدوین نماید. (نارلیکار<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵: ۶)

در مجموع می‌توان گفت که سازمان جهانی تجارت اساساً برای حمایت از انتظارات کشورها از رفتار تجاری دولت‌ها تشکیل شده است، اما در وهله دوم هدف تسهیل انطباق با واقعیت‌های تجاری را نیز دنبال می‌کند. تعامل این دو مهم در طول زمان به هدفی دیگر منجر می‌شود که «توسعه وابستگی‌های متقابل میان بازیگران اقتصادی» است. (شمسائی، ۱۳۹۱: ۴۸) با عنایت به موانع و مشکلات فراوان کشورهای در حال توسعه در دسترسی و استفاده مؤثر از سیستم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت و به دنبال افزایش حضور فعال و پرتعداد این کشورها در فرآیند تدوین و اصلاح مقررات جدید نظام موصوف، تفاهم‌نامه حل اختلاف برای کشورهای ضعیف و در حال توسعه، یک سلسله حقوقی را، با توجه به منافع خاص آن‌ها در جریان رسیدگی، در نظر گرفته است که از آن به عنوان «رفتار ویژه و متمایز» تعبیر می‌شود. بدین توضیح که، از جمله ویژگی‌های سیستم مزبور ایجاد نوعی دوگانگی بین ترتیبات حقوقی است؛ ترتیباتی که برای کشورهای پیشرفته صنعتی در نظر گرفته شده و نهایتاً استثنائاتی که بر این ترتیبات به

<sup>1</sup> - Hoekman

<sup>2</sup> - Narlikar

نفع کشورهای ضعیف جهان سوم در نظر گرفته شده است، که هدف ایجاد این نابرابری حقوقی، دستیابی به یک برابری اقتصادی است. (ممتاز، ۱۷)

در خصوص دلایل پیش‌بینی رفتار ویژه و متمایز برای کشورهای در حال توسعه می‌توان به مواردی چون تک‌محصولی بودن اقتصاد این کشورها، نوپا بودن صنایع داخلی و نیاز به حمایت جدی از آن‌ها، بازار کار ضعیف و سیاست ناکارآمد داخلی، و عدم موازنه در رژیم سازمان جهانی تجارت اشاره نمود. در خصوص مورد اخیر، مقصود توان پائین کشورهای در حال توسعه جهت چانه‌زنی در مذاکرات و عدم توازن کلی و همه‌جانبه است، به نحوی که موضوعات مذاکره‌ای که به نفع کشورهای توسعه یافته هستند، نوعاً بیشترین توجه را به خود جلب نموده و موضوعات مرتبط با منافع کشورهای در حال توسعه کمترین توجه را به خود معطوف می‌نمایند. (قریشی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۱۹۶)

ارائه «مساعدت‌های فنی»<sup>۲</sup> به کشورهای در حال توسعه که عمدتاً از طریق «مرکز مشاوره قوانین سازمان جهانی تجارت»<sup>۳</sup> صورت می‌پذیرد، از جمله دیگر امتیازاتی است که برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است. اعتبار این مرکز توسط کشورهای اروپایی تأمین می‌شود و کشورهای در حال توسعه، به استثنای کشورهای کمتر توسعه یافته، بر اساس درآمد سرانه و سهم‌شان از تجارت جهانی، حق عضویت می‌پردازند. از منظری دیگر می‌توان به موضوع اعطای «ترجیحات تجاری»<sup>۴</sup> به عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های رفتار ویژه و متمایز، تحت پوشش مجوزهایی قانونی، اشاره کرد. این ترجیحات که به عنوان نوعی همیاری توسعه‌ای، و نه انتقال مستقیم منابع، به کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای دارای کمترین درجه توسعه یافتگی اعطا می‌شوند، باهدف کمک به توسعه و تنوع در صادرات این کشورها صورت می‌پذیرد. هرچند که بررسی‌های تجربی حکایت از آن دارد که کشورهای یادشده بواسطه فقدان ظرفیت لازم و رقابتی نبودن محصولات صادراتی خود، در تحقق هدف تعیین شده چندان موفق نبوده‌اند. (هورن و مارودیس<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶: ۹۵)

### مشارکت کشورهای در حال توسعه در سیستم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت

سیستم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، علاوه بر برخورداری از قواعد و رویه‌هایی که به عنوان شالوده و اساس آن، ذیل موافقت‌نامه گات ایجاد و در طول چند دهه متوالی متکامل شده‌اند، در قالب جدید خود به اشکال مختلفی توسعه و گسترش یافته است و به نحو مؤثر و کارآمدی در اختیار کلیه اعضای سازمان، اعم از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه قرار دارد. رشد فزاینده میزان مشارکت و بهره‌گیری کشورهای در حال توسعه از این سیستم، دلیل خوبی بر این مدعاست. (سازمان جهانی تجارت، ۲۰۱۸)<sup>۶</sup>

بر اساس آخرین آمار و اطلاعات موجود در سایت رسمی سازمان جهانی تجارت، طی ۲۳ سال گذشته، از طریق این سیستم، ۵۱ کشور عضو، حداقل یک‌بار به عنوان خواهان تقاضای رسیدگی به اختلافی را مطرح نموده‌اند و ۶۰ کشور عضو، در حداقل یک پرونده به عنوان خوانده شرکت کرده‌اند. همچنین، مجموع ۸۸ کشور نیز، به عنوان وارد ثالث در اختلاف بین دو یا چند کشور دیگر عضو، شرکت نموده و به‌طور کلی ۱۰۸ کشور در این سیستم، به عنوان خواهان، خوانده یا وارد ثالث، فعال بوده و مشارکت داشته‌اند.<sup>۷</sup> بررسی آمار و اطلاعات موجود در این زمینه تا پایان ماه جولای ۲۰۱۹ میلادی حکایت از رشد قابل توجه مشارکت کلیه کشورها، از جمله کشورهای در حال توسعه می‌کند به طوری که از مجموع ۴۳۴۰ مورد استفاده کشورها از این سازوکار، در نقش

1 - Qureshi and GAO

2 - Technical Assistances

3 - Advisory Centre on WTO Law (ACWL)

4 - Trade Preferences

5 - Horn and Mavroidis

6: "Understanding the WTO: Settling Disputes, A Unique Contribution". [https://www.wto.org/english/thewto\\_e/whatis\\_e/tif\\_e/disp1\\_e.htm](https://www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/disp1_e.htm)

7 - [https://www.wto.org/english/tratop\\_e/dispu\\_e/dispustats\\_e.htm](https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/dispustats_e.htm).

خواهان، خواننده یا وارد ثالث، صرفاً ۱۷۰۳ مورد آن مربوط به کشورهای توسعه یافته است؛ (۳۹٪ موارد)، و ۲۶۳۷ مورد دیگر مختص کشورهای در حال توسعه. (۶۱٪ موارد).

### روش تحقیق

در این پژوهش محقق با روش اسنادی و پیمایشی با استفاده از اسناد حوزه تحقیق و آمار منتشر شده توسط سازمان جهانی تجارت به بررسی همبستگی میان وضعیت کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته می پردازد و مشارکت آنان را در سازمان جهانی تجارت در قالب خواهان، خواننده و یا کشور ثالث مورد ارزیابی قرار می دهد.

### یافته های تحقیق

«استاد هودک»، ضمن تحقیق و بررسی در زمینه استفاده از سیستم حل اختلاف گات در دوره زمانی سال های ۸۹ - ۱۹۴۸ دریافته است که ۷۳ درصد تمامی شکایات توسط ایالات متحده، جامعه اروپا و اعضای آن، کانادا و استرالیا ثبت شده است. با افزودن ژاپن، کشورهای اسکاندیناوی، اتریش و آفریقای جنوبی، این رقم به بیش از ۸۰ درصد می رسد. به لحاظ خواننده ها، ایالات متحده، جامعه اروپا و اعضای آن، کانادا و ژاپن ۸۳ درصد پرونده های ثبت شده را به خود اختصاص داده اند که با افزودن سایر کشورهای توسعه یافته این رقم به بیش از ۹۰ درصد می رسد. با این وصف ملاحظه می شود که بیش از ۹۰ درصد پرونده ها به ایالات متحده یا جامعه اروپا و اعضای آن به عنوان حداقل یکی از طرف ها مربوط بوده است. تا اکتبر ۲۰۰۶ حدود ۳۵۰ شکایت در سازمان جهانی تجارت به ثبت رسیده است. کشورهای توسعه یافته با حدود ۲۱۲ شکایت ۶۰ درصد کل شکایات را به خود اختصاص داده که ۱۳۱ مورد از آن ها علیه دیگر کشورهای توسعه یافته بوده و ۸۱ مورد آن علیه کشورهای در حال توسعه بوده است. کشورهای در حال توسعه نیز با ۱۳۲ شکایت حدود ۳۷ درصد از کل شکایات را تسلیم نموده اند، ۷۸ عدد از شکایات علیه کشورهای توسعه یافته و ۵۴ عدد علیه کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است. ۶ شکایت نیز به طور مشترک توسط کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته علیه کشور توسعه یافته صورت گرفته است. آمارها نشان می دهد که ۹۸ گزارش هیئت منصفه و مرجع استیناف مورد قبول واقع شده و ۵۱ توافق دوطرفه پس از سال ۱۹۹۵ ثبت گردیده است. بر اساس جدول تعداد اختلاف های مطرح شده در «سازمان جهانی تجارت» بر اساس کشورهای عضو و وضعیت هر کشور در اختلاف مزبور؛ از حیث خواهان بودن، یا خواننده، یا وارد ثالث، تا ۱۵ فوریه ۲۰۲۰<sup>۱</sup>، با بررسی همبستگی میان وضعیت توسعه یافتگی کشورها و حضور به عنوان خواهان، خواننده و ثالث از میان ۱۰۸ عضو، نتایج مطابق جدول ذیل نشان می دهد:

جدول (۱): بررسی همبستگی کشورها عضو سازمان جهانی تجارت و وضعیت آن ها در سیستم حل اختلاف

متغیرها	سطح معناداری	آزمون همبستگی
خواهان	۰/۰۰۰	-۰/۳۷۱
خواننده	۰/۰۰۰	-۰/۳۳۱
کشور ثالث	۰/۰۰۰	-۰/۳۶۵

نتایج جدول فوق نشان می دهد کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته به طور معناداری به میزان کمتری به عنوان خواهان، خواننده و کشور ثالث نسبت به استفاده از سیستم حل اختلاف سازمان جهانی تجارت اقدام و مشارکت داشته اند.

جدول (۲): جدول بررسی مقایسه ای طرف شاکی در گات و سازمان جهانی تجارت

کل	در حال توسعه	توسعه یافته	
۴۳۳	۱۳۴	۲۹۹	گات
۱۰۰	۳۰/۹۵	۶۹/۵	
۳۹۷	۱۵۷	۲۴۰	سازمان جهانی تجارت
۱۰۰	۳۹/۵۵	۶۰/۴۵	

<sup>1</sup> - [https://www.wto.org/english/tratop\\_e/dispu\\_e/dispu\\_by\\_country\\_e.htm](https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/dispu_by_country_e.htm).

این داده‌ها شکایت‌ها را تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷ در برمی‌گیرد. تقسیم‌بندی کشورها به توسعه‌یافته و درحال توسعه بر اساس مرکز آمار حل اختلافات سازمان جهانی تجارت می‌باشد که توسط «هنریک هورن و پتروس ماورویدیس»<sup>۱</sup> به سفارش بانک جهانی تهیه شده و در وبسایت بانک جهانی موجود است. تحلیل ناشی از دو جدول فوق نشان می‌دهد علی‌رغم افزایش حضور کشورهای درحال توسعه در سازمان جهانی تجارت و گسترش درخور توجه فعالیت آن‌ها در این سازمان، همچنان حضور و استفاده کشورهای توسعه‌یافته از این سازوکار به‌طور معناداری بیشتر است.

### نتیجه‌گیری

از جمله اهداف اساسی سازوکار حل اختلافات سازمان جهانی تجارت، ایجاد یک سیستم عادلانه‌تر بود که در آن هر عضو بتواند شکایتی را مطرح و پیگیری کند و بر اساس رویه و فرایندهای سازمان، در دادگاه حاضر و به رأی مساعد دستی‌اید. در این مسیر اصل راهنما این بوده که: «تمامی اعضاء در برابر قانون برابرند». این اصل برای دستیابی به سیستمی با فرصت‌های عادلانه در مقابل سیستمی که در آن سیاست قدرت می‌توانست نتایج را تحت تأثیر قرار دهد، طراحی شده بود. تعداد قلیلی به موفقیت مکانیسم حل و فصل اختلافات در ترسیم یک رهیافت قضایی به اختلافات تجاری- رهیافتی که بر تحلیل دقیق قوانین و تفسیر بی طرفانه از آن قوانین مبتنی است - امید دارند. این تغییرات باعث ایجاد شرایطی شده که در آن همه مراحل اختلاف، از مرحله اولیه طرح شکایت گرفته تا دستیابی به یک تصمیم‌گیری رسمی، همه به‌طور گسترده‌ای غیرسیاسی شوند.

هرچند یافته‌های تحقیق، مشارکت قابل توجه کشورهای درحال توسعه را نشان می‌دهد، لکن هویت بسیاری از کشورهای درحال توسعه که اکثریت سازمان جهانی تجارت را دارند و از سیستم استفاده نمی‌کنند را آشکار نمی‌سازد. موفقیت سیستم تا زمانی که امور قانونی همه اعضاء به‌ویژه اعضاء ضعیف سازمان عادلانه نباشد، تکمیل نمی‌گردد. یکی از ویژگی‌های سیستم جدید، که می‌تواند به اعضا کمک کند، وجود اختلافاتی بوده است که در آن چندین کشور توسعه‌یافته باهم علیه چندین کشور درحال توسعه طرح شکایت کرده‌اند. در چنین مواردی که چندین کشور در طرح شکایت باهم متحد می‌شوند باعث تقویت آن شکایت خواهد شد. هرچند ممکن است این بحث مطرح شود که در چنین شکایاتی کشور پیشرفته نقش پیشرو را به عهده خواهد گرفت و دیگر کشورها از آن تبعیت می‌کنند، ولی حقیقت آن است که چنین شکایاتی برای کشورهای درحال توسعه مشکلات کمتری در پی خواهد داشت و یک دوره آموزشی مفید برای آن‌ها خواهد بود. حداقل فایده این است که حضور کشورهای درحال توسعه در چنین دعوایی برای اولین بار، تجربه سودمندی از رویه‌ها، فراهم کردن درخواست و فاکتورهای مرتبط با یک فرجام‌خواهی (استیناف) را برای آن‌ها به ارمغان خواهد آورد.

به‌طور کلی، برخی از کشورهای درحال توسعه در استفاده از این سیستم، بسیار فعال بوده و موفقیت‌های چشم‌گیری داشته‌اند، تعدادی زیادی از این کشورها، رویکردی معتدل نسبت به آن داشته‌اند. اما همچنان، اکثریت کشورهای کوچک‌تر و ضعیف‌تر عضو، دسترسی و استفاده چندانی از آن نداشته‌اند. نظری اجمالی به اطلاعات و آمار استفاده کشورهای مختلف درحال توسعه، روشن می‌سازد که کشورهای با اقتصاد بزرگ‌تر و جریان تجارت بیشتر، در بسیاری از موارد، در دسترسی و استفاده از این سیستم، توانا تر هستند. زیرا آن‌ها منابع، منافع و ظرفیت‌های بیشتری در سرمایه‌گذاری جهت استفاده از آن دارند. البته، به‌طوری که مطالعات کمی نیز نشان می‌دهد، این تنها اندازه اقتصاد یک کشور یا مقدار تجارت آن نیست که تأثیر دارد، بلکه میزان توسعه ظرفیت حقوقی آن کشور در استفاده از آن نیز مؤثر بوده و واجد اهمیت زیادی می‌باشد.

<sup>1</sup> - Henrik Horn and Petros Mavroidis

<sup>2</sup> - <http://worldbank.org>.

## منابع

۱. امیدبخش؛ اسفندیار و گروه نویسندگان، (۱۳۸۹)، «سازمان جهانی تجارت؛ ساختار، قواعد و موافقت‌نامه‌ها»، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ دوم
۲. رضایی؛ محمد تقی، (۱۳۹۴)، «نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت»، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوم.
۳. زایدل هومن فلدرن؛ آیگناس، (۱۹۹۹)، «حقوق بین‌الملل اقتصادی»، ترجمه زمانی؛ سید قاسم، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش. چاپ چهارم، (۱۳۸۵).
۴. شمسایی، محمد، (۱۳۹۱)، «سازمان جهانی تجارت و نظم حقوقی بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش حقوق، سال چهاردهم، شماره ۳۷.
۵. کانال فورگن؛ اریک، (بی‌تا)، «حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت»، ترجمه ساعدی بناب، بهزاد، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۶. کدخدایی؛ عباسعلی، عابدینی؛ عبدالله، (۱۳۹۱)، «اوصاف خودبستگی نظام سازمان جهانی تجارت در نظام حقوقی بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری سال بیست و نهم، شماره ۴۶.
۷. لوفلد؛ آندریاس اف؛ (۱۳۹۲)، «حقوق بین‌الملل اقتصادی»، ترجمه حبیبی مجنده؛ محمد، انتشارات جنگل، چاپ دوم.
۸. مقالات فارسی
۹. ممتاز؛ جمشید، (۱۳۷۵)، «تفاهم‌نامه سازمان جهانی تجارت راجع به قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلافات»، مجموعه مقالات همایش بررسی جنبه‌های حقوقی سازمان جهانی تجارت، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول.
۱۰. موسوی زنوز؛ موسی، (۱۳۹۲)، «تحول حقوق تجارت بین‌الملل در سازمان جهانی تجارت»، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۱۱. هردگن؛ ماتیاس، (۱۳۹۷)، «اصول حقوق بین‌الملل اقتصادی»، مترجمین: ضیائی بیگدلی؛ محمد و صادق، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول.

1. Amrita Narlikar, (2005), The World Trade Organization: A very short Introduction, (New York: Oxford University Pres.
2. Besson, Fabieng & Racem, Mehdi (2004), "Is WTO dispute settlement biased Against Developing Countries?" available at: <http://www.ecomed.net>.
3. Bohanes, Jang & Garza, Fernanda (2012), "Going beyond stereotypes: Participation of Developing Countries in WTO dispute settlement," Trade Law and Development, Vol.4, No.1.
4. C. Shaffer, Gregory and Mele'ndez-Ortiz, Ricardo (2010), "Dispute Settlement at the WTO, the Developing Country Experience", Cambridge University Press, ICTSD Research Project.
5. Das Adhijit and J. Nedumpara, James, (2016). "WTO Dispute Settlement at Twenty, Insiders' Reflections on India's Participation", Springer, Center for WTO Studies (CWS), New Delhi.
6. H. Horn and P Mavroidis, (2006), "The WTO Dispute Settlement system 1995-2004: Some Descriptive Statistics", World Bank, Washington DC.
7. James Cameron, Kevin R. Gray, (2001), Principles of International law in the WTO Dispute Settlement Body, International and Comparative law Quarterly, Vol. 50.
8. Joost Pauwelyn, (2007), The Role of Public International Law in the WTO: How far can we go? AJIL, Vol. 95.
9. M. Hoekman, Bernard and Petros C. Mavroidis (2007), "The World Trade Organization Law, Economics, and politics", Routledge Taylor & Francis Group.
10. P. Bown, Chad and M. Hoekman, Bernard, (2005). "WTO dispute settlement and The Missing Developing Country Case: Engaging the Private Sector", Journal of the International Economic Law,
11. Pascal Lamy, (2007), the Place of WTO and its Law in the International Legal Order, EJIL, Vol. 17, No.5.
12. Qureshi, Asief and GAO, Xuan, (2010), "International Economic Law: Critical Concepts in Law", Rutledge Press, London.
13. Shaffer, Gregory, Mosoti, Victor and Qureshi, Asif (2003), "Towards a Development Supportive Dispute Settlement System in the WTO ", ICTSD Resource", Paper No. 5, Geneva, Switzerland.
14. WTO website; (2015): "WTO 20 Years, WTO Dispute Settlement, Resolving Trade Dispute between WTO members", [https://www.WTO.org/english/the\\_WTO\\_e/20y\\_e/dispute\\_brochure20y\\_e.pdf](https://www.WTO.org/english/the_WTO_e/20y_e/dispute_brochure20y_e.pdf)
15. WTO website; (2018): "Understanding the WTO Settling Disputes, A Unique Contribution". [https://www.WTO.org/english/the\\_WTO\\_e/whatis\\_e/tif\\_e/displ\\_e.htm](https://www.WTO.org/english/the_WTO_e/whatis_e/tif_e/displ_e.htm).